

# عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بَابُ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ

هُمَا سُنَّتَانِ فِي الْمَكْتُوباتِ<sup>۱</sup> حَتَّى لِمُنْفَرِدٍ<sup>۲</sup> وَجَمَاعَةٍ ثَانِيَةٍ، بِحَيْثُ يَظْهَرُ الشَّعَارُ.

اذان و اقامه در نمازهای پنجگانه سنت‌اند حتی برای شخص منفرد و جماعت دومی، به گونه‌ای که شعار ظاهر شود.

وَالْأَذَانُ أَفْضَلُ مِنَ الْإِمَامَةِ<sup>۳</sup>، وَقِيلَ عَكْسُهُ<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> . نهایه: اگر اذان واجب بود رسول الله صلی الله علیه و سلم در جمع بین نماز - که واجب نیست - در نماز دوم آن را ترک نمی‌کرد. و همچنین در حدیث شخصی که نمازش را بد می‌گزارد و رسول الله صلی الله علیه و سلم نمازش را تصحیح کرد به او به اذان امر ننمود.

<sup>۲</sup> . عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي صَعْصَعَةَ الْأَنْصَارِيِّ ثُمَّ الْمَازِنِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّهُ أَخْبَرَهُ أَنَّ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ، قَالَ لَهُ: إِنِّي أَرَاكَ تُحِبُّ الْغَنَمَ وَالْبَادِيَةَ، فَإِذَا كُنْتَ فِي غَنَمِكَ، أَوْ بَادِيَتِكَ، فَأَذَّنْتَ بِالصَّلَاةِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّوَادُّعِ، فَإِنَّهُ: «لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ، جِنَّ وَلَا إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ، إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، قَالَ أَبُو سَعِيدٍ: سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. بخاری ۶۰۹

ابوسعید خدری رضی الله عنه به عبدالله بن عبدالرحمن گفت: می‌بینم که گوسفند و صحرا را دوست داری. پس هرگاه در بین گوسفندان و صحرایت بودی و برای نماز اذان دادی پس آوازت را به اذان بلند کن، زیرا: جن و انس و هر چیزی که تا انتهای آواز مؤذن می‌شنوند قطعا در روز قیامت به نفع او گواهی می‌دهند. ابوسعید گفت: این را از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم.

<sup>۳</sup> . منهاج : الْإِمَامَةُ أَفْضَلُ مِنْهُ فِي الْأَصَحِّ، قُلْتُ: الْأَصَحُّ أَنَّهُ أَفْضَلُ مِنْهَا، وَاللَّهُ أَعْلَمُ. (امام رافعی در محرر گفته:) در قول اصح، پیشنمازی از مؤذنی با فضیلت‌تر است. (امام نووی

تصحیح می کند و می گوید: گفتیم: در قول أصح، مؤذنی از پیشنمازی با فضیلت تر است. وَاللَّهُ  
أَعْلَمُ.

دلیل آن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ يُرَاعُونَ الشَّمْسَ  
وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَالْأَظْلَةَ لِذِكْرِ اللَّهِ». حاکم در مستدرک ۱۶۳ آن را صحیح دانسته و ذهبی  
با او موافقت نموده.

بی گمان بهترین بندگان خدا کسانی اند که جهت ذکر و یاد خدا از خورشید، ماه، ستارگان  
و سایه ها محافظت به عمل می آورند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التَّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ،  
ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَأَسْتَهَمُوا». بخاری ۶۱۵

اگر مردم می دانستند که در اذان و صف اول چه اندازه (ثواب) وجود دارد سپس نمی یافتند  
مگر این که بر آن قرعه کشی کنند؛ قرعه کش می کردند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُؤَذِّنُ يُغْفَرُ لَهُ مَدَى صَوْتِهِ وَيَشْهَدُ لَهُ كُلُّ  
رَطْبٍ وَيَأْبِسٍ». صحیح، ابوداود ۵۱۵

مؤذن تا انتهای صوتش آمرزیده می شود و هر تر و خشکی به نفع او گواهی می دهند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَدَّنَ ثِنْتِي عَشْرَةَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ،  
وَكُتِبَ لَهُ بِتَأْذِينِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سِتُونَ حَسَنَةً، وَلِكُلِّ إِقَامَةٍ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً». البانی آن را

صحیح دانسته، ابن ماجه ۷۲۸

کسی که دوازده سال اذان بگوید بهشت بر او واجب می گردد. و در هر روزی برای هر  
اذنش، شصت نیکی و برای هر اقامه، سی نیکی برایش نوشته می شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

مسلم ۳۸۷

مؤذنین در روز قیامت گردن آنان درازتر است.

در معنای آن اختلاف شده است: در روز قیامت، آنان را عرق فرامی گیرد. یا به علت  
پاداش زیاد، گردن های خود را دراز می کنند تا نتیجه ی آن را هر چه زودتر ببینند. یا امید  
بیش تری به رحمت خدا دارند.

و اذان از امامت با فضیلت تر است و (قول ضعیفی) عکس آن گفته‌اند.

فَإِنَّ أَذَانَ الْمُنْفَرِدِ فِي مَسْجِدٍ صَلَّتْ فِيهِ جَمَاعَةٌ لَمْ يَرْفَعْ صَوْتَهُ، وَإِلَّا رَفَعَ<sup>٦</sup> وَكَذَا  
الْجَمَاعَةُ الثَّانِيَةُ لَا يَرْفَعُونَ صَوْتَهُمْ<sup>٧</sup>.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْإِمَامُ ضَامِنٌ وَالْمُؤَدِّنُ مُؤْتَمَنٌ، اللَّهُمَّ أَرْسِدِ  
الْإِمَامَةَ وَاعْفِرْ لِلْمُؤَدِّنِينَ». صحیح، ابوداوود ۵۱۷

امام ضامن و مؤذن امین دانسته شده است. خداوند! امامان را راهنمایی فرما و مؤذنین را  
بیامرز.

نجم، تحفه و نهاییه: مرتبه‌ی امانت‌داری از ضمانت بالاتر است و مغفرت از ارشاد بالاتر  
است.

رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَدَّنَ سَبْعَ سِنِينَ مُحْتَسِبًا كُتِبَتْ لَهُ  
بِرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ. ضعیف، ترمذی ۲۰۶

کسی که به مدت هفت سال اذان بگوید در حالی که پاداش آن را از خداوند می‌خواهد؛  
برائت از آتش جهنم برایش نوشته می‌شود.

٤ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤَدِّنْ لَكُمْ  
أَحَدَكُمْ، وَلْيُؤَمِّكُمْ أَكْبَرَكُمْ. بخاری ۶۲۸

هرگاه وقت نماز رسید یکی از شما اذان دهد و بزرگ‌تر شما برایتان امامت کنند.  
تحفه، نهاییه، مغنی و نجم: زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم و خلفای راشدین بر آن  
مداومت داشته‌اند.

برای عبارت فوق در تحفه و نهاییه چنین پاسخ داده شده: رسول الله صلی الله علیه و سلم  
و خلفای راشدین به مؤذنی نپرداختند زیرا اذان احتیاج به مراقبت وقت دارد در نتیجه فراغت  
می‌طلبند و چون ایشان به امور امت مشغول بودند لذا این کار برایشان مقدور نبود. به همین  
سبب امیرالمومنین عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمود: لَوْ كُنْتُ أُطِيقُ الْأَذَانَ مَعَ الْخِلَافَةِ  
لَأَذَّنْتُ. السنن الكبرى للبيهقي ۲۰۴۱

اگر به همراه خلافت، توانائی اذان داشتیم؛ قطعاً اذان می‌دادم.  
٥ . نجم، عجاله، تحفه، نهاییه و مغنی: تا این که شنونده گمان نبرد که وقت نماز دیگری  
فرا رسیده و قضیه بر او مشتبه شود بخصوص زمانی که هوا ابری است.

پس اگر شخص منفرد در مسجدی اذان گفت که جماعتی در آن نماز گزارده است؛ آوازش را بلند نمی‌کند و اگر (جماعتی در آن مسجد نماز نگزارده است) آوازش را بلند می‌کند. و همچنین جماعت دومی آوازشان را بلند نمی‌کنند.

### وَيُسَنُّ لِحَمَاعَةِ النِّسَاءِ الْإِقَامَةَ دُونَ الْأَذَانِ<sup>۶</sup>

و برای جماعت زنان، اقامه سنت می‌شود به غیر از اذان.

وَلَا يُؤَدَّنُ لِلْفَائِتَةِ فِي الْمَجْدِيدِ، وَيُؤَدَّنُ لَهَا فِي الْقَدِيمِ، " فِي " الْأَطْهَرِ. " فَإِنْ فَاتَتْهُ صَلَوَاتٌ لَمْ يُؤَدَّنْ لِمَا بَعْدَ الْأُولَى، " وَفِي الْأُولَى الْخِلَافُ، وَيُقِيمُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ.<sup>۷</sup>

<sup>۶</sup> . نجم، عجاله، تحفه، نهاییه و مغنی: زیرا آن محذور رفع گردیده است.

<sup>۷</sup> . در بعضی از نسخه‌ها بدون: **صَوْتَهُمْ**.

<sup>۸</sup> . فتح الوهاب المالک و فیض الإله المالک: به همان دلیل که موجب تشویش می‌شود.

<sup>۹</sup> . نهاییه و مغنی: زیرا از اذان دادن زن، خوف فتنه می‌رود. اما اقامه برای بلند شدن حاضرین است.

عَنْ حَفْصَةَ، قَالَ: «إِنَّهَا كَانَتْ تُقِيمُ إِذَا صَلَّتْ». مصنف ابن ابی شیبہ ۲۳۲۵

حفصه رضی الله عنها هرگاه قصد نماز داشت، اقامه می‌کرد.

<sup>۱۰</sup> . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَحَبِسْنَا عَنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، فَاشْتَدَّ ذَلِكَ عَلَيَّ، ثُمَّ قُلْتُ: نَحْنُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِلَالٍ فَأَقَامَ الصَّلَاةَ، فَصَلَّى بِنَا الظُّهْرَ، ثُمَّ أَقَامَ، فَصَلَّى بِنَا الْمَغْرِبَ، ثُمَّ أَقَامَ، فَصَلَّى بِنَا الْعِشَاءِ، ثُمَّ طَافَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ قَالَ: مَا عَلَى الْأَرْضِ عِصَابَةٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ غَيْرُكُمْ. حسن لغيره،

مسند احمد ۴۰۱۳

ما همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم بودیم که (توسط مشرکین) از نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء بازداشته شدیم. این (امر) بر من گران آمد. سپس گفتم: ما همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم و در جهاد در راه خدا (اما نماز نگزاردیم). رسول الله صلی الله علیه و سلم به بلال فرمان داد. بلال نماز را اقامه کرد. پس رسول الله صلی الله علیه و سلم به ما نماز ظهر گزارد سپس اقامه کرد و به ما نماز عصر گزارد سپس اقامه کرد و به ما نماز مغرب

و در قول جدید برای نماز فوت شده اذان نمی‌گوید و در قول قدیم در أظهر (اقوال) برای آن اذان می‌دهد. پس اگر چند نماز از او فوت شد برای بعد از (نماز) اولی (قطعا بدون اختلاف) اذان نمی‌دهد، و در (نماز) اولی، همان اختلاف (بی) است (که در قول جدید و قدیم بود). و برای هر یک (از نمازهای فوت شده) اقامه می‌کند.

---

گزارد سپس اقامه کرد و به ما نماز عشاء گزارد. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم گرداگرد ما دور زد و سپس فرمود: به غیر از شما بر روی زمین، گروهی وجود ندارد که ذکر و یاد الله عزوجل کنند.

<sup>۱۱</sup> . رسول الله صلی الله علیه و سلم به همراه اصحاب در سفری به خواب رفتند و نماز صبح از آنان فوت شد. زمانی که بیدار شدند آفتاب برآمده بود. در آخر این حدیث طولانی آمده: **فَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ صَلَّى الْغَدَاةَ، فَصَنَعَ كَمَا كَانَ يَصْنَعُ كُلُّ يَوْمٍ.** مسلم ۶۸۱

رسول الله صلی الله علیه و سلم دو رکعت (سنت قبلیه‌ی صبح) گزارد سپس نماز فرض صبح بجا آورد. پس همان‌گونه که هر روز انجام می‌داد؛ انجام داد.  
<sup>۱۲</sup> . در بعضی از نسخه‌ها بدون: **فِي**.

<sup>۱۳</sup> . منهاج: **وَيُقِيمُ لِلْفَائِتَةِ، وَلَا يُؤَدِّنُ فِي الْجَدِيدِ؛ قُلْتُ الْقَدِيمُ أَظْهَرُ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.**  
تحفه: زیرا حدیث مسلم ۶۸۱ بعد از حدیث خندق است. و از لحاظ زمان، مؤخر بر مقدم ترجیح داده می‌شود.

نجم، تحفه، نه‌یاه و مغنی: بر قول جدید: اذان، حق وقت است. و بر قول قدیم: اذان، حق فرض است. در مغنی آمده: و این معتمد است.

<sup>۱۴</sup> . در حدیث طولانی که جابر بن عبدالله رضی الله عنهما، حج رسول الله صلی الله علیه و سلم را توصیف می‌کند، آمده: **حَتَّىٰ آتَى الْمَزْدَلِفَةَ، فَصَلَّى بِهَا الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ.** مسلم ۱۲۱۸

تا این که رسول الله صلی الله علیه و سلم به مزدلفه آمد. در آن جا نماز مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه نماز گزارد.

<sup>۱۵</sup> . دلیل آن حدیث مسند احمد ۴۰۱۳ که گذشت.

وَالْفَاظُ الْأَذَانِ<sup>۱۶</sup> وَالْإِقَامَةَ<sup>۱۷</sup> مَعْرُوفَةً، وَيَجِبُ تَرْتِيبُهُمَا،<sup>۱۸</sup> فَإِنْ سَكَتَ أَوْ تَكَلَّمَ فِي أَثْنَائِهِ طَوِيلًا بَطَلَ أَذَانُهُ، فَيَسْتَأْنِفُهُ،<sup>۱۹</sup> وَإِنْ قَصَرَ فَلَا.<sup>۲۰</sup>

و الفاظ اذان و اقامه معروف است. و ترتیب آن دو واجب می‌شود. پس اگر در اثنای آن سکوت طولانی کرد یا سخن طولانی کرد؛ اذانش باطل می‌شود؛ پس آن را تکرار می‌کند. و اگر (فاصله) کوتاه بود پس نه (باطل نمی‌شود).

<sup>۱۶</sup> . در حدیث عبدالله بن زید بن عبد ربه در مورد الفاظ اذان آمده: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. حسن صحیح، ابوداود ۴۹۹

<sup>۱۷</sup> . در حدیث عبدالله بن زید بن عبد ربه در مورد الفاظ اقامه آمده: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. حسن صحیح، ابوداود ۴۹۹

عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: «أَمْرٌ بِلَالٍ أَنْ يَشْفَعَ الْأَذَانَ، وَأَنْ يُوتِرَ الْإِقَامَةَ، إِلَّا الْإِقَامَةَ». بخاری

۶۰۵

بلال امر کرده شد که اذان را جفت جفت بگوید و اقامه را به فرد بخواند مگر لفظاً: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ (آن را دو بار بگوید).

<sup>۱۸</sup> . نجم: زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم این چنین به ابومحذوره آموخت و این امری است که معنای آن فهمیده نمی‌شود پس باید تابع چیزی شد که وارد شده است. و همچنین با رعایت نکردن ترتیب، مقصود اذان از بین می‌رود.

کنز، تحفه، نهاییه و مغنی: زیرا ترک ترتیب به اعلام خلل وارد می‌کند. تحفه و نهاییه: به اتباع از احادیث.

<sup>۱۹</sup> . نجم: تا شنونده بداند که اذان داده می‌شود.

<sup>۲۰</sup> . نجم: زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم در اثنای خطبه، سخن کوتاهی کرد

(بخاری ۹۳۰) سپس به خطبه‌اش ادامه داد پس در اذان از باب اولی.

نهاییه: زیرا ترک آن به اعلام خلل وارد نمی‌کند.

وَأَقْلُ مَا يَجِبُ أَنْ يُسْمِعَ نَفْسَهُ إِنْ أَدَّنَ وَأَقَامَ لِنَفْسِهِ. فَإِنْ أَدَّنَ وَأَقَامَ لِحِمَاةٍ وَجَبَ إِسْمَاعُ وَاحِدٍ جَمِيعُهُمَا.

و کمترین چیزی که واجب می‌شود آن که خودش را بشنواند اگر برای خودش اذان می‌دهد و اقامه می‌کند. و اگر برای جماعتی اذان می‌دهد و اقامه می‌کند شنوندن یک نفر، تمامی (الفاظ) آن دو واجب است.

وَلَا يَصِحُّ الْأَذَانُ قَبْلَ الْوَقْتِ،<sup>۲۱</sup> إِلَّا الصُّبْحُ فَإِنَّهُ يُجُوزُ أَنْ يُؤَدَّنَ لَهَا بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ.<sup>۲۲</sup>

و اذان قبل از وقت صحیح نمی‌شود مگر صبح. همانا جایز می‌شود که بعد از نیمه‌ی شب برای آن اذان دهد.

وَيُنْدَبُ الظَّهَارَةُ<sup>۲۳</sup> وَالْقِيَامُ<sup>۲۴</sup> وَاسْتِقْبَالُ الْقِبْلَةِ<sup>۲۵</sup> وَالْإِلْتِفَاتُ فِي الْحَيْعَلَتَيْنِ<sup>۲۶</sup> فِي الْأُولَى يَمِينًا وَفِي الثَّانِيَةِ شِمَالًا،<sup>۲۷</sup> فَيَلْوِي عُنُقَهُ وَلَا يُحَوِّلُ صَدْرَهُ وَقَدَمَيْهِ.<sup>۲۸</sup>

<sup>۲۱</sup> . در عجاله، تحفه و مغنی در این رابطه اجماع بیان شده است.

عجاله و نجم: زیرا اعلام به وقت است. (پس چگونه می‌شود که قبل از وقت اعلام کرد و آگاهی داد.)

<sup>۲۲</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ بِلَالًا يُؤَدِّنُ بِلَيْلٍ، فَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُؤَدِّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ». بخاری ۶۲۲

بلال به شب اذان می‌گوید پس بخورید و بنوشید تا اینکه عبدالله بن ام مکتوم اذان دهد (اکنون فجر صادق دمیده و روزه آغاز شده پس باید از خوردن و نوشیدن دست کشید).

<sup>۲۳</sup> . عَنِ الْمُهَاجِرِ بْنِ قُنْفُذٍ، أَنَّهُ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَبُولُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ حَتَّى تَوَضَّأَ، ثُمَّ اعْتَدَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ " إِنِّي كَرِهْتُ أَنْ أذُكَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ أَوْ قَالَ: عَلَى طَهَارَةٍ ". صحیح، ابوداؤد ۱۷

مهاجر بن قنفذ نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد در حالی که ادرار می‌کرد. پس بر ایشان سلام کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم جواب سلامش را نداد تا این که وضو گرفت. سپس از او معذرت‌خواهی کرد و فرمود: ناپسند دانستم که ذکر الله عزوجل بگویم مگر بر طهارت. (پس اذان از باب اولی مطلوب است که برای آن وضو گرفته شود.)

رُوي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يُؤَدَّنُ إِلَّا مُتَوَضِّئًا. ضعيف، ترمذی ۲۰۰



اذان نگوید مگر شخص وضودار.

رُوِيَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: لَا يُنَادِي بِالصَّلَاةِ إِلَّا مُتَوَضِّئٌ. ضعيف، ترمذی ۲۰۱

به نماز ندا نزنند مگر شخص باوضو.

<sup>۲۴</sup> . در یکی از سفرها، رسول الله صلی الله علیه و سلم به بلال فرمود: يَا بِلَالُ، قُمْ فَأَذِّنْ

بِالنَّاسِ بِالصَّلَاةِ. بخاری ۵۹۵

ای بلال! بلند شو و برای نماز به مردم اذان بگو.

زمانی که برای اولین بار اذان مشروع گردید، رسول الله صلی الله علیه و سلم به بلال امر

کرد: «يَا بِلَالُ قُمْ فَنادِ بِالصَّلَاةِ». بخاری ۶۰۴

ای بلال! بلند شو و برای نماز ندا بزن.

نصب الرأية: ابن المنذر گفته است: علما اجماع دارند که ایستادن در اذان سنت است.

<sup>۲۵</sup> . نجم: زیرا شریفترین جهات است.

و این چنین از سلف و خلف نقل شده و خلاف آن ثابت نشده است.

<sup>۲۶</sup> . در بعضی از نسخه‌ها: **فِي حَيْعَلَتِي الصَّلَاةِ يَمِينًا، وَحَيْعَلَتِي الْفَلَاحِ شِمَالًا.**

<sup>۲۷</sup> . عَنْ أَبِي جُحَيْفَةَ: أَذَّنَ بِلَالٌ، قَالَ: فَجَعَلْتُ أَتَتَّبِعُ فَاهُ هَا هُنَا وَهَا هُنَا - يَقُولُ:

يَمِينًا وَشِمَالًا - يَقُولُ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ. مسلم ۵۰۳

بلال اذان داد. من دهانش را با کنجکاوی بررسی می‌کردم که به سمت راست و به

سمت چپ حرکت می‌داد و می‌گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ.

<sup>۲۸</sup> . قَالَ أَبُو جُحَيْفَةَ: رَأَيْتُ بِلَالًا خَرَجَ إِلَى الْأَبْطَحِ فَأَذَّنَ فَلَمَّا بَلَغَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ،

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، لَوِي عُنُقَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، وَلَمْ يَسْتَدِرْ. صحيح، ابوداود ۵۲۰

ابوجحیفه می‌گوید: بلال را دیدم که بسوی ابطح خارج شد و اذان داد. وقتی به حَيَّ عَلَى

الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ رسید؛ گردنش را به سمت راست و چپ چرخ داد و (اما بدنش)

نچرخید.

مجموع: گردنش را به سمت راست چرخ می‌دهد و دو بار می‌گوید: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ.

سپس گردنش را به سمت چپ چرخ می‌دهد و دو بار می‌گوید: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ. اصحاب ما

عراقیون و جماعتی از خراسانیون به این روش، قطع کرده‌اند.

و سنت می‌شود وضو، و ایستادن، و رو به قبله کردن و توجه کردن در دو حی علی الصلاه و حی علی الفلاح، در اولی به سمت راست و در دومی به سمت چپ. پس گردنش را چرخ می‌دهد. و سینه‌اش و دو قدمش را چرخ نمی‌دهد.

**وَيُكْرَهُ لِلْمُحَدِّثِ،<sup>۲۹</sup> وَكَرَاهَةُ الْجَنْبِ أَشَدُّ،<sup>۳۰</sup> وَفِي الْإِقَامَةِ أَغْلَظُ.<sup>۳۱</sup>**

و (اذان) برای بی‌وضو مکروه می‌شود و کراهت جنب شدیدتر و در اقامه غلیظتر است.

**وَأَنْ يُؤَدَّنَ عَلَى مَوْضِعٍ عَالٍ، وَيُقْرَبَ الْمَسْجِدَ،<sup>۳۲</sup> وَيَجْعَلَ إصْبَعَيْهِ فِي صِمَاخَيْهِ،<sup>۳۳</sup> وَيُرْتَّلَ الْأَذَانُ وَيُدْرَجَ الْإِقَامَةُ.<sup>۳۴</sup>**

<sup>۲۹</sup> . احادیث آن گذشت: ابوداود ۱۷، ترمذی ۲۰۰، ترمذی ۲۰۱

<sup>۳۰</sup> . اگر جنب داخل مسجد اذان می‌دهد به علت ماندنش در مسجد، حرام می‌شود.

<sup>۳۱</sup> . زیرا تکبیره الاحرام از او فوت می‌شود و امکان دارد نماز جماعتی نیز از دست بدهد.

<sup>۳۲</sup> . عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ، عَنْ امْرَأَةٍ مِنْ بَنِي النَّجَّارِ قَالَتْ: كَانَ بَيْتِي مِنْ أَطْوَلِ بَيْتِ

حَوْلَ الْمَسْجِدِ وَكَانَ بِلَالٌ يُؤَدِّنُ عَلَيْهِ الْفَجْرَ فَيَأْتِي بِسَحَرٍ فَيَجْلِسُ عَلَى الْبَيْتِ يَنْظُرُ إِلَى الْفَجْرِ، فَإِذَا رَأَهُ تَمَطَّى، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَأَسْتَعِينُكَ عَلَى قُرَيْشٍ أَنْ يُقِيمُوا دِينَكَ» قَالَتْ: ثُمَّ يُؤَدِّنُ، قَالَتْ: وَاللَّهِ مَا عَلِمْتُهُ كَانَ تَرَكَهَا لَيْلَةً وَاحِدَةً تَعْنِي هَذِهِ

الْكَلِمَاتِ. حسن، ابوداود ۵۱۹

عروه بن زبیر از یکی از زنان انصار روایت می‌کند که گفت: خانه‌ام از بلندترین خانه‌های اطراف مسجدالنبی بود. بلال، پشت بام آن اذان صبح می‌گفت. وی به وقت سحر می‌آمد و بر بام خانه می‌نشست و مراقب فجر صادق می‌شد. وقتی که فجر صادق را می‌دید تمطی می‌کشید سپس می‌گفت: خدایا! تو را ستایش می‌کنم و از تو یاری می‌خواهم که قریش، دینت را پابرجا بدارند. آن زن گفت: سپس بلال اذان می‌داد. قسم به خدا، هرگز ندیدم که حتی یک شب این دعا را رها سازد.

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُؤَدَّنَانِ بِلَالٌ وَابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ الْأَعْمَى، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ بِلَالًا يُؤَدِّنُ بِلَيْلٍ، فَكُلُّوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُؤَدِّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ» قَالَ: وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا إِلَّا أَنْ يَنْزَلَ هَذَا وَيَرْقَى هَذَا. مسلم ۱۰۹۲

و آن که بر جای بلندی و نزدیک به مسجد اذان دهد. و دو انگشتش در دو سوراخ گوشش قرار دهد. و اذان را با تانی و اقامه را پیوسته بگوید.

**وَيُشْتَرَطُ كَوْنُ الْمُؤَذِّنِ مُسْلِمًا،<sup>۳۵</sup> عَاقِلًا، مُمَيِّزًا،<sup>۳۶</sup> ذَكَرًا،<sup>۳۷</sup> إِنَّ أَدْنَ لِلرِّجَالِ<sup>۳۸</sup>.**

برای رسول الله صلی الله علیه و سلم دو مؤذن بود: بلال و ابن اممکتوم نابینا. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: بلال به شب اذان می دهد پس بخورید و بنوشید تا این که ابن اممکتوم اذان بدهد. ابن عمر گفت: بین آن دو فاصله ای نبود مگر این که این پایین بیاید و آن بالا برود.

<sup>۳۳</sup> . عَنْ عَوْنِ بْنِ أَبِي جُحَيْفَةَ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ بِلَالَ يُؤَذِّنُ، وَقَدْ جَعَلَ أُصْبُعَيْهِ

فِي أُذُنَيْهِ. صحيح على شرط الشيخين، صحيح ابن خزيمة ۳۸۸

ابوجحیفه می گوید: بلال را دیدم که دو انگشتش را در دو گوشش قرار داد.

<sup>۳۴</sup> . رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لِبِلَالٍ: يَا بِلَالُ، إِذَا أَدَّنتَ

فَتَرَسَّلْ فِي أَدَانِكَ، وَإِذَا أَقَمْتَ فَاحْذُرْ. ضعيف، ترمذی ۱۹۵

ای بلال! هرگاه اذان دادی پس اذانت را با تانی بگو، و هرگاه اقامه کردی پس پیوسته کن.

عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ مُؤَذِّنِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، قَالَ: جَاءَنَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، فَقَالَ: «إِذَا أَدَّنتَ

فَتَرَسَّلْ، وَإِذَا أَقَمْتَ فَاحْذُرْ». مصنف ابن ابی شیبہ ۲۲۳۴

ابوالزبیر مؤذن بیت المقدس می گوید: عمر بن خطاب نزد ما آمد و گفت: هرگاه اذان

دادی پس با تانی بگو، و هرگاه اقامه کردی پس پیوسته کن.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، «أَنَّ ابْنَ عُمَرَ، كَانَ يُرْسِلُ الْأَذَانَ، وَيَحْذُرُ فِي الْإِقَامَةِ». مصنف ابن ابی

شیبہ ۲۲۳۵

ابن عمر، اذان را با تانی می گفت و اقامه را پیوسته می کرد.

<sup>۳۵</sup> . نجم: اذان کافر صحیح نیست زیرا اهل نماز نیست پس نمی تواند دعوت دهنده

بسوی آن باشد.

<sup>۳۶</sup> . نجم: زیرا اهل عبادت نیستند.

<sup>۳۷</sup> . در بعضی از نسخه ها: **لِرِجَالٍ**.

<sup>۳۸</sup> . زن برای مردم اذان نمی دهد زیرا خوف فتنه می رود.

و شرط آورده می‌شود (که) موذن، مسلمان و عاقل و ممیز و (از) جنس مذکر باشد اگر برای مردان اذان می‌دهد.

وَنُذِبَ كَوْنُهُ حُرًّا<sup>۳۹</sup> عَدْلًا،<sup>۴۰</sup> صَيِّتًا<sup>۴۱</sup> حَسَنَ الصَّوْتِ،<sup>۴۲</sup> مِنْ أَقَارِبِ مُؤَذِّنِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،<sup>۴۳</sup>

۳۹ . عَنْ شُبَيْلِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ: قَالَ عُمَرُ: «مَنْ مُؤَذِّنُكُمْ الْيَوْمَ؟» قَالُوا: مَوَالِينَا، وَعَعِيدُنَا قَالَ: «إِنَّ ذَلِكَ بِكُمْ لَتَقْصُ كَثِيرٌ». مصنف عبدالرزاق ۱۸۷۱

عمر بن خطاب گفت: امروز مؤذنین شما چه کسانی‌اند؟ گفتند: بردگان آزاد شده‌ی ما و بردگان ما. عمر بن خطاب گفت: قطعاً که این نقص زیادی برای شماست.

۴۰ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لِيُؤَذَّنَ لَكُمْ خِيَارُكُمْ وَلِيُؤَمَّكُمْ قُرَاؤُكُمْ». ضعیف، ابوداود ۵۹۰

باید برگزیدگان شما برایتان اذان بدهند و قاری‌ترین شما برایتان امامت کند.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «لَا يَوْمُ الْعُلَامِ حَتَّى يَحْتَلِمَ، وَلِيُؤَذَّنَ لَكُمْ خِيَارُكُمْ». مصنف عبدالرزاق ۱۸۷۲

بچه امامت نکند تا بالغ شود و باید برگزیدگان شما برایتان اذان بدهند.

۴۱ . زَمَانِي كَمَا قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زَيْدٍ خَوَّابُ إِذْ دَرَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِهِ وَهُوَ يَوْمُ: فَنُفِئَ مَعَ بِلَالٍ فَإِنَّهُ أُنْدَى وَأَمَدٌ صَوْتًا مِنْكَ، فَأَلْقَى عَلَيْهِ مَا قِيلَ لَكَ، وَلِيُنَادِ بِذَلِكَ. حسن، ابوداود ۱۸۹

همراه بلال بلند شو، زیرا آوازش از تو بلندتر است پس آن چیزی که (در خواب) به تو گفته شد به بلال القا کن که به آن ندا بزند.

۴۲ . عَنْ أَبِي مُحَمَّدُورَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ نَحْوًا مِنْ عِشْرِينَ رَجُلًا فَأَذَّنُوا فَأَعْجَبَهُ صَوْتُ أَبِي مُحَمَّدُورَةَ. اسناده صحیح، سنن دارمی ۱۲۳۲، صحیح ابن خزیمه ۳۷۷

رسول الله صلى الله عليه و سلم نزدیک به بیست نفر را امر نمود (که اذان بدهند)؛ آنان اذان دادند. پس آواز ابومحذوره را پسندید.

۴۳ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْمُلْكُ فِي قُرَيْشٍ، وَالْقَضَاءُ فِي الْأَنْصَارِ، وَالْأَذَانُ فِي الْحَبَشَةِ وَالْأَمَانَةُ فِي الْأَزْدِ يَعْنِي: الْيَمَنَ. صحیح، ترمذی ۳۹۳۶

و سنت شده (که) موذن، آزاد، عادل، دارای صدای بلند، دارای آوازی نیکو، از بستگان  
موزنین نبی اکرم صلی الله علیه و سلم باشد.

**وَيُكْرَهُ لِلْأَعْمَىٰ ۖ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَعَهُ بَصِيرٌ.<sup>۴۵</sup>**

و (اذان) برای نابینا مکروه می شود مگر که همراه او بینایی باشد.

**وَيُنْدَبُ لِسَامِعِهِ وَلَوْ جُنُبًا وَحَائِضًا أَوْ فِي قِرَاءَةِ أَنْ يَقُولَ مِثْلَ قَوْلِهِ عَقِبَ كُلِّ كَلِمَةٍ،  
وَفِي الْحَيْعَلَتَيْنِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ،<sup>۴۶</sup> وَفِي (الصَّلَاةِ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ): صَدَقَتْ**

خلافت در قریش، و قضاوت در انصار، و اذان در حبشه، و امانت‌داری در ازد یعنی یمن  
است.

**عَنْ ابْنِ أَبِي مَحْذُورَةَ، قَالَ: " جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَذَانَ لَنَا  
وَلِمَوَالِينَا، وَالسَّقَايَةَ لِبَنِي هَاشِمٍ، وَالْحِجَابَةَ لِبَنِي عَبْدِ الدَّارِ. مسند احمد ۲۷۲۵۳**

ابومحذوره می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم اذان را در میان ما و آزادشدگان ما  
قرار داد. و آب دادن به حجاج را در میان بنی هاشم، و کلیدداری کعبه را در میان بنی عبدالدار  
قرار داد.

<sup>۴۴</sup>. در بعضی از نسخه‌ها: **الْأَعْمَى.**

<sup>۴۵</sup>. **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ بِلَا أَلَا يُؤَدِّنُ بِلَيْلٍ، فَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى  
يُنَادِيَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ»، ثُمَّ قَالَ: وَكَانَ رَجُلًا أَعْمَى، لَا يُنَادِي حَتَّى يُقَالَ لَهُ: أَصْبَحْتَ  
أَصْبَحْتَ. بخاری ۶۱۷**

بلال به شب اذان می دهد پس بخورید و بیاشامید (یعنی سحری کنید) تا این که ابن ام  
مکتوم اذان دهد. سپس گفت: ابن ام مکتوم مرد نابینائی بود و اذان نمی گفت تا این که به او  
گفته می شد: به فجر داخل شدی؛ به فجر داخل شدی. (یعنی فجر صادق دمیده است).

<sup>۴۶</sup>. **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " إِذَا قَالَ الْمُؤَدِّنُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ  
أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا  
اللَّهُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ  
عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا**

وَبَرَّرْتُ،<sup>۴۷</sup> وَفِي كَلِمَتِي الْإِقَامَةِ: أَقَامَهَا اللَّهُ وَأَدَامَهَا<sup>۴۸</sup> مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ،  
وَجَعَلَنِي مِنْ صَالِحِي أَهْلِهَا.<sup>۴۹</sup>

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ". مسلم ۳۸۵

هرگاه مؤذن "اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ" گفت. به دنبال آن، یکی از شما "اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ" گفت. سپس مؤذن "أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" گفت. به دنبال آن، یکی از شما "أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" گفت. سپس مؤذن "أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ" گفت. به دنبال آن، یکی از شما "أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ" گفت. سپس مؤذن "حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ" گفت. به دنبال آن، یکی از شما "لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" گفت. سپس مؤذن "حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ" گفت. به دنبال آن، یکی از شما "لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" گفت. سپس مؤذن "اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ" گفت. به دنبال آن، یکی از شما "اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ" گفت. سپس مؤذن "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" گفت. به دنبال آن، یکی از شما "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" را از ته دل گفت؛ وارد بهشت می‌شود.

<sup>۴۷</sup>. نجم، عجاله، تحفه و مغنی: ابن الرفعه (در کفایه النبیه شرح التنبییه) ادعا کرده که حدیثی در این باره وجود دارد؛ اما قول او رد کرده می‌شود زیرا اصلی برای آن نیست. رملی در نهایه المحتاج از قول ابن الرفعه این‌گونه دفاع می‌کند: به خاطر ورود خبری که در آن است، ابن الرفعه آن را گفته است. دمیری (در النجم الوهاج) ادعا کرده که این حدیث شناخته شده نیست. و جواب داده می‌شود که: مَنْ حَفِظَ حُجَّةً عَلَيَّ مَنْ لَمْ يَحْفَظْ.

اما به نظر می‌رسد که دلیل رملی در نهایه مردود باشد زیرا حافظ در التلخیص الحبیر نوشته: اصلی برای آن نیست.

اگر چه از نظر حدیثی روایتی برای آن یافته نشد اما جمهور فقها از شافعیه، احناف و حنابله به غیر از مالکیه به مستحب بودن آن اذعان کرده‌اند به همین سبب در نجم، عجاله، تحفه و مغنی دلیل آن چنین ذکر شده: زیرا گفتن "صَدَقْتَ وَبَرَّرْتَ" با "الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ" مناسبت دارد.

<sup>۴۸</sup>. عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، عَنْ أَبِي أُمَامَةَ، أَوْ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّ بِلَالًا أَخَذَ فِي الْإِقَامَةِ، فَلَمَّا أَنْ قَالَ: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَالَ: النَّبِيُّ صَلَّى

و برای شنونده‌ی اذان - اگر چه جنب و حائض یا در حال قرائت باشد - سنت می‌شود که بعد از هر کلمه، مانند مؤذن بگوید و در "بشتابید بسوی نماز؛ بشتابید بسوی رستگاری" (می‌گوید): "هیچ قوت و قدرتی جز قوت و قدرت پروردگار وجود ندارد" و در "قطعا نماز از خواب بهتر است" (می‌گوید): "راست گفتمی و نیکوکار شدی". و در دو کلمه‌ی اقامه (می‌گوید): خداوند آن را پابرجا بدارد و آن را دائمی بگرداند تا وقتی که آسمان‌ها و زمین دوام دارند و مرا از صالحین اهل نماز قرار بده.

**فَإِنْ كَانَ مُجَامِعًا أَوْ عَلَى الْخَلَاءِ أَوْ مُصَلِّيًّا أَجَابَ بَعْدَ فَرَاعِهِ.**

پس اگر در حالت جماع یا (داخل) توالت یا در حال نماز بود؛ بعد از فارغ شدن از آن جواب می‌دهد.

**وَيُنْدَبُ لِلْمُؤَذِّنِ وَسَامِعِهِ بَعْدَ فَرَاعِهِ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ يَقُولُ:**

و برای مؤذن و شنونده‌ی اذان، بعد از فارغ شدن مؤذن (از اذان)، صلوات فرستادن بر نبی اکرم صلی الله علیه و سلم سنت می‌شود؛ سپس می‌گوید:

**اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ النَّامَةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ،<sup>۴۹</sup> وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا<sup>۵۰</sup> الَّذِي وَعَدْتَهُ.**

**اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَقَامَهَا اللَّهُ وَأَدَامَهَا» وَقَالَ: فِي سَائِرِ الْإِقَامَةِ كَنَحْوِ حَدِيثِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي الْأَذَانِ.** ضعیف، ابوداود ۵۲۸

بلال شروع به اقامه کرد وقتی که "قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ" گفت؛ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: "أَقَامَهَا اللَّهُ وَأَدَامَهَا". در سایر کلمات اقامه، رسول الله صلی الله علیه و سلم همانند حدیث عمر رضی الله عنه در اذان گفت.

<sup>۴۹</sup> . حافظ در التلخیص الحبیر نوشته: "أَقَامَهَا اللَّهُ وَأَدَامَهَا" حدیث ضعیف است. اما "مَا

دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، وَجَعَلَنِي مِنْ صَالِحِي أَهْلِهَا" اصلی برای آن نیست.

<sup>۵۰</sup> . حافظ در التلخیص الحبیر نوشته: در هیچ‌کدام از طُرُق حدیث، لفظ "وَالذَّرَجَةَ

الرَّفِيعَةَ" وجود ندارد.

حافظ سخاوی در المقاصد الحسنه فی الأحادیث المشتهره علی الألسنه نوشته: این لفظ

را در روایات نیافتیم.

خدایا، ای پروردگار این دعوت کامل (کلمات اذان که شامل توحید است)، و نماز بر پا شده، به سرور ما محمد صلی الله علیه وسلم، وسیله و فضیله (مقام و منزلتی در بهشت که فقط به یک نفر اختصاص دارد) عطا کن و او را به مقام محمود (شفاعت عظمی) که به او وعده داده‌ای برسان.

---

شیخ الاسلام زکریا انصاری در الغرر البهیه نوشته: مولف، همانند منهاج و محرر، کلمه‌ی "وَالدَّرَجَةَ الرَّفِیْعَةَ" را حذف کرد زیرا اصلی برای آن نیست. تحفه و نهاییه: اصلی برای آن نیست.

<sup>۵۱</sup>. در بعضی از نسخه‌ها: **المَقَامَ المَحْمُودَ.**

<sup>۵۲</sup>. قَالَ: النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتُهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. بخاری ۶۱۴

کسی که هرگاه اذان را بشنود، بگوید: خدایا، ای پروردگار این دعوت کامل (کلمات اذان که شامل توحید است) و نماز بر پا شده، به محمد صلی الله علیه وسلم وسیله و فضیله (مقام و منزلتی در بهشت که فقط به یک نفر اختصاص دارد) عطا کن و او را به مقام محمود (شفاعت عظمی) که به او وعده داده‌ای برسان. در روز قیامت، مستحق شفاعت من می‌شود.